

چوبان درست کار

هر بار او را فریب می‌کرد و می‌گفت.

چهار سطر اول را از

۱

روزی بود و روزگاری مردی بود که **گو سفندان** زیادی داشت. او آدم درخت
 کاری نبود. **چوبان** داشت که از **گو سفندان** او نگه داری می‌کرد و
 مرد درست کار او را **سفت لویی** بود. **چوبان** هر روز **شیر گو سفندان**
 را می‌دوخت و به قایق **صاحب** **گو سفندان** می‌برد. او هم آب در آن
 می‌ریخت و **شیر** را دو برابر می‌کرد و به مردم می‌فروخت. **چوبان**

مرتب کن و بنویس.

۲

الف) نگه داری - چوبان - می‌کرد - از - گو سفندان.
 چوبان از **گو سفندان** نگه داری می‌کرد.
 ب) وانگی - شود - قطره قطره - دریا - گردد - جمع.
 قطره قطره جمع گردد و وانگی دریا شود.

مخالف هر کلمه را بنویس.

۳

شروع - درست - زیاد - روز - می‌ریخت - نمی‌فروخت
 پایبان - نادرست کم - شیب - نمی‌ریخت - می‌فروخت -

در دو خط بنویس چرا باید به دیگران کمک کنیم.

۴

چون جدا این کار است و در کمک به دیگران دوستان زیادی پیدا می‌کند.

موفق باشی!

سه سطر بعدی را از روی درس، با خط خوانا بنویس.

چوپان هر بار او را **تنبیه** می کرد و می گفت: «این کار درست نیست و اگر
به حرف های چوپان گوش نمی دهی و بیفتی هر از گاهی گفت: «
چوپان می آید و یکسره و خردت را **بگیرد!**»

جمله ها را از روی درس کامل کن.

- او آدم درست کاری نبود.
- یک روز که چوپان گوسفندان را به چرا برد، با **او** **شروع** به بازی کرد.
- چوپان گفت: «شنیده ای که می گویند قطره قطره جمع گردد و **دریا** شود».

به هر کلمه «ها» اضافه کن و جمله بنویس.

گل: گُل ها : گل ها خیلی زیبا هستند.
کتاب: کُتَاب ها : آن ها کتاب ها را در کتاب خانه گذاشتند.
قطره: قُطْرَه ها : قُطْرَه ها از بزرگ درخت به زمین می پزند.

فرض کن به خانه ی دوست رفته ای و او در خانه نبوده است. برایش یک یادداشت بنویس.

دوست من خوبم برای دیدن آهدم چون دلم برای دیدن تو تنگ شده بود ولی
نبودی.

دست درد نکند!